

هنر قانون نویسی

✍ محمد موسوی مقدم*

در نظامهای پارلمانی اراده عمومی به وسیله مجالس قانونگذاری اعمال می‌گردد. در این نظامها تنها قوه مقننه است که اجازه دارد براساس ارزشهای جامعه و درجه اهمیت که جامعه برای این ارزشها قایل است با تکیه بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، جرم را تعیین و مجازات مربوطه را مقرر و آیین رسیدگی به آن را مشخص نماید.

جامعه با توجه به اعطای حق قانونگذاری خود به مجلس، انتظار دارد مجلس در وضع قوانین دقت کافی مبذول دارد تا متنی که به عنوان قانون تصویب و به مرحله اجرا در می‌آید علاوه بر این که جامع اطراف و مانع اغیار است، روشن، صریح و قابل درک برای عموم مردم باشد و دست‌یابی به چنین نصوصی جز با انجام بررسیهای کارشناسانه و دقت در نحوه نگارش مواد قانونی و چگونگی استفاده از واژه‌ها مقدور نخواهد بود.

قانون نویسی با توجه به تعیین کننده بودن کلمات و نحوه نگارش، مستلزم داشتن اطلاعات دقیق حقوقی، ادبی و موضوعی است که در مورد آن قانون تدوین و تصویب می‌شود. و این اهمیت از آن رو است که گاه با جابه‌جایی یک ویرگول یا نقطه و جایگزینی واژه‌ای به جای واژه دیگر تغییری بنیادی در مفهوم جمله ایجاد می‌نماید که آثار حقوقی و اجتماعی زیادی در پی خواهد داشت. و همین ضرورت تجمیع اطلاعات و بهره‌جویی بهینه و بهنگام، آن را از فن فراتر برده و به هنر نزدیک می‌نماید. بر این اساس در برخی از کشورها، دوره‌های تخصصی دانشگاهی در خصوص آموزش چگونگی تدوین قانون، برگزار می‌گردد که طی آن کارشناسانی برای نگارش نصوص قانونی تربیت می‌شوند.

در ایران علی‌رغم نبودن چنین دوره‌هایی، به این علت که در گذشته اکثر علمای

حقوق و وکلای مجلس به حد کافی دارای اطلاعات ادبی بودند، در نگارش مواد قانونی ضمن رعایت مسائل تخصصی حقوقی و قضایی، مسائل ادبی نیز به دقت مورد لحاظ قرار می‌گرفت. به گونه‌ای که در سراسر قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و بعد کمتر ماده قانونی را می‌توان یافت که از نظر نحوه نگارش دارای ایراد و اشکال ادبی باشد. دقت در گزینش واژه‌ها و نحوه نگارش جملات به حدی بوده است که پس از ۷۰ سال و با وجود حدوث تغییرات چشمگیر در زبان و ادب فارسی، مواد قانون مدنی از نظر نحوه نگارش و ساختار جملات همچنان با طراوت، قابل درک و فاقد نقص است.

اما چنین امری در قوانین جدید التصویب کمتر به چشم می‌خورد. ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی از جمله نصوص قانونی است که از لحاظ نگارشی دارای اشکال به نظر می‌رسد که در زیر به بررسی آن می‌پردازیم:

ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه یا نطق در مجامع یا هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها، حسب مورد محکوم خواهد شد...»

از توجه به ماده مرقوم در می‌یابیم که صدر ماده دارای دو جمله است. جمله اول: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد...» و جمله دوم: «یا آنها را منتشر نماید»، است ملاحظه می‌گردد که جمله اول کامل بوده و دارای معنایی قابل درک می‌باشد. در واقع جمله مذکور را می‌توان به این شکل بیان کرد: «هرکس به وسیله اوراق چاپی... یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد...» اما باید دید جمله دوم چه وضعیتی دارد؟

در جمله دوم آمده است «... یا آنها را منتشر نماید...». مسلم آن که فاعل جمله،

«هرکس» در جمله اول است. اما مرجع ضمیر «آنها» چیست؟ بدیهی است که مرجع ضمیر را باید در جمله اول جست. همان گونه که می‌دانیم «آنها» ضمیر اشاره است و جانشین مشارالیه می‌گردید. لذا با حذف ضمیر و آوردن مشارالیه به جای آن، جمله باید کامل و مفید معنا باشد.

با بررسی جمله قبل در می‌یابیم که مرجع ضمیر آنها باید یکی از کلمات «اوراق چاپی» یا «خطی» یا «... روزنامه و جراید» یا «نطق در مجامع»، باشد. اما باید دید با جایگزینی مشارالیه به جای ضمیر اشاره آنها، آیا جمله کماکان دارای معنا خواهد بود؟ هرگاه چنین جایگزینی صورت گیرد، جملات زیر به دست خواهد آمد:

- ۱- اوراق چاپی یا خطی را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود.
- ۲- روزنامه یا جراید را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود.
- ۳- نطق در مجامع را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود.

حال آیا جملات فوق رساننده مراد مقنن است. آیا اساساً جملات فوق دارای معنای قابل درک هستند؟ آیا صرف این که «هرکس اوراق چاپی را منتشر نماید» بزه موضوع ماده ۶۹۷ محقق می‌شود؟ یا این که علاوه بر انتشار باید صریحاً امری را به کسی نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و... که این معنا از نحوه نگارش ماده به شکل موجود استنباط نمی‌گردد. به عبارتی هیچ یک از جملات سه گانه بالا را نمی‌توان به جمله «به کسی امری را نسبت دهد... که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن را ثابت نماید» ارتباط داد و این در حالی است که عدم ارتباط با جمله مذکور موجب پیدایش نقص در معنا و مفهوم عبارت خواهد شد.

قرائت ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، ایراد موجود در ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی را نمایان‌تر می‌سازد. در ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی می‌خوانیم: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله انتشار اعلان یا اوراق مزبور یا به وسیله نطق در مجامع به یک یا چند نفر امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق

قانون مجازات آن امر جنحه یا جنایت محسوب شود، مفتری محسوب خواهد شد. مشروط بر این که نتواند صحت آن استناد را ثابت نماید».

بنابراین، به نظر می‌رسد، مقنن سال ۱۳۷۵ در رونویسی از قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ می‌بایست دقت بیشتری مبذول می‌داشت و صرفاً با رفع اشکال آن ماده با افزودن عبارت «یا به هر وسیله دیگر» به بعد از نطق در مجامع، آن را همانند بسیاری از مواد دیگر، آن گونه که بود تصویب می‌کرد و یا آن را به گونه‌ای بازنویسی می‌کرد که به ساختار جمله و مفهوم آن، خللی وارد نگردد.

هر چند انتظار این نیست که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در همه مسائل از جمله مسائل قضایی و ادبی اطلاعات تخصصی کافی داشته باشند اما امید می‌رود در تنظیم نصوص قانونی از کارشناسان متخصص استفاده نمایند تا نواقص مشابه در متون قانونی به چشم نیاید.



تداخل مجازاتهای تعزیری و بازدارنده

✍️ صادق رضوانی*

پیش در آمد: قانون مجازات عمومی سابق جرایم را از حیث مجازاتهای مقرر برای آن به سه دسته تقسیم نموده بود: جنایت، جنحه و خلاف. لکن با پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت تعیین مجازات شرعی برای جرایم ارتكابی، نخبگان جامعه اسلامی از فارغ التحصیلان حوزه و دانشگاه که در اولین مجلس شورای اسلامی گرد هم جمع آمده بودند، مبادرت به تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ نمودند

* - قاضی دادگستری استان مرکزی، این مقاله با اندکی تلخیص به نظر خوانندگان می‌رسد.